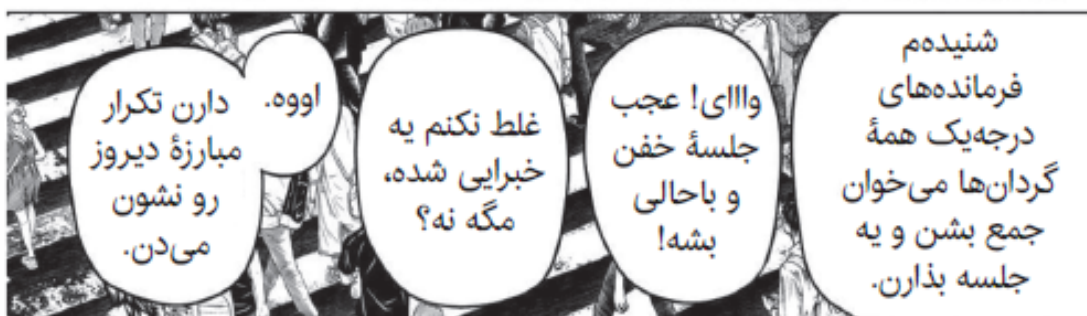
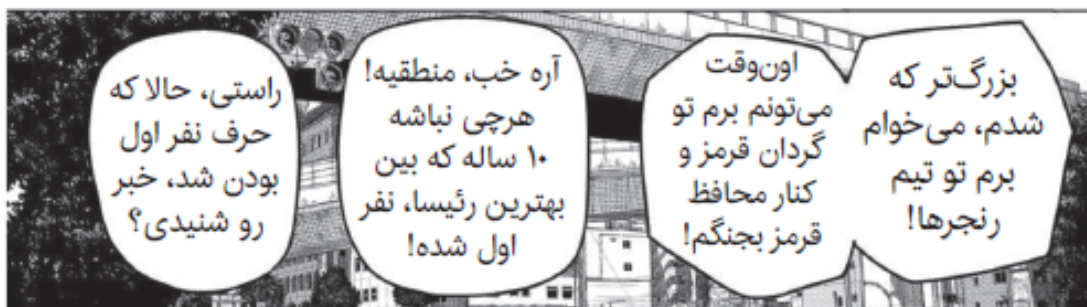
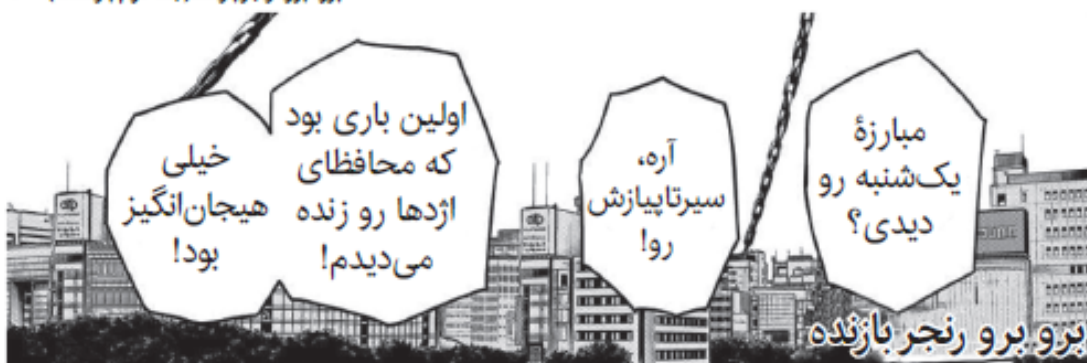


به نام خدا

برو! برو! رنجر بازنده!
(جلد دوم: بازگشت)

نگی هاروبا

مترجم: زهرا باقری



جلسه ویژه فرماندهان رنجرها

و حالا مروری سریع بر آنچه که تا این‌جای داستان گذشت:

سیزده سال پیش، لشکری از مهاجمان به زمین حمله کردند، اما رنجرها در کمتر از یک سال شکستشان دادند. حالا به دستور رنجرها، هر یک‌شنبه حملاتی نمایشی ترتیب داده می‌شود تا رنجرها بتوانند مهاجمان را شکست دهند، اما مهاجمی به نام «دی» قصد دارد با نفوذ به قلب گردان رنجرها، این سیستم تحقیرآمیز علیه مهاجمان را از بین ببرد. او با همکاری یک رنجر مرموز به نام «یومکو سوزوکی» موفق شد یکی از «سلاح‌های مقدس» را بدزدد؛ تنها سلاحی که می‌تواند مهاجمان نامیرا را واقعاً از بین ببرد! اما برای جشن گرفتن و خوشحالی کمی زود بود... چون او درگیر نبرد با «محافظ قرمز» شد. در حالی که با تلاش‌های بی‌حاصلش بی‌وقفه در تقلا بود، در نهایت به وسیله «سلاح مقدس محافظ آبی» از پا درآمد... اما پیش از نابودی کامل، در آخرین لحظات با حيله‌گری سلاح مقدس را از میدان نبرد خارج کرد و به دست یومکو رساند. به این ترتیب مأموریت او موفقیت‌آمیز بود!

پرو پرو رنجر بازنده



محافظ قرمز

فرمانده ارشد گردان قرمز



پس همه
الآن
حاضرین.

خوبه.

آخرین
محافظ
قرمز،
شرکت کننده
هم بالآخره از
راه رسید.



سرباز یکم گردان
قرمز،
جین هیمورا

حتماً تو مبارزه
امروز صبح یه
اتفاقایی افتاده...



سرباز یکم گردان
صورتی، ماسورائو
نادشیکو

محافظ صورتی
فرمانده ارشد
گردان صورتی

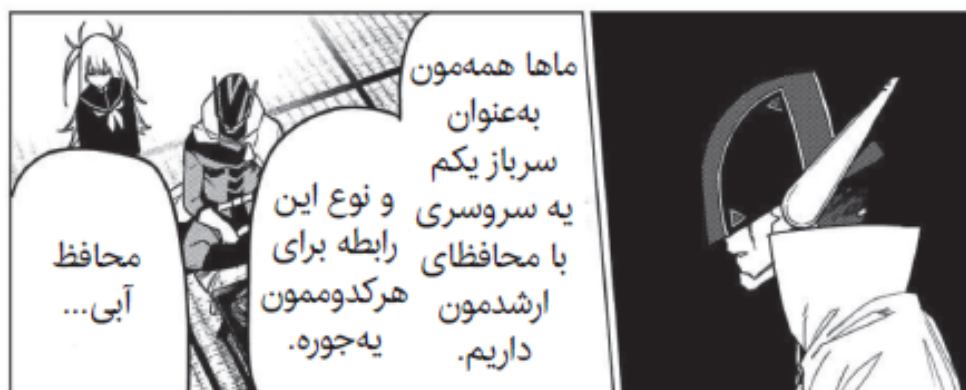


چند وقته
که همچین
جلسه ای
نداشتیم؟
یه جلسه ویژه،
نه تنها با حضور
افسرای ارشد
محافظین
ازدها، بلکه تمام
سربازیکم های هر
گردان؟



محافظ آبی فرمانده
ارشد گردان آبی







بس
کنسیسید!

آخخ!



سرباز یکم
موقت گردان
آبی، کوماچی
آیزومه



کی حوصله داره تو ایکییری رو نگاه کنه آخه؟! برو بابا!

آه! دقیقاً مثل چیزی که سوزو می گفت! اون چشمها...

محافظ آبی.

وگرنه بچه ها از تو بیشتر از آدم بدا می ترسیدن!

ببین، آبی خان، هرچور حساب می کنم، تو واقعاً مزخرفی! طرز حرف زدن، شخصیت، رفتار... همهش افتضاحه! برای همینه که مجبور می کنی نقش یه آدم بی احساس و ساکت رو بازی کنی!